

## پویش شهرنشینی در تبریز

مهدی رفیعی 1، محمدکریم رئیسی 2، سجاد بازوند 3

1- دانشجوی دکترای جامعه شناسی گرایش اقتصادی و توسعه و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور مرکز زاهدان، ایران.  
(rafieem@yahoo.com)

2- کارشناس ارشد جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور واحد نیکشهر، ایران.  
(pnuraesi@yahoo.com)

3- کارشناس ارشد جغرافیا گرایش برنامه ریزی روستائی و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور واحد نیکشهر، ایران.  
(bazvand\_sajad@yahoo.com)

## چکیده

موقعیت مناسب جغرافیایی شهر تبریز در مرکز آذربایجان و قرار گرفتن آن بر سر راه ارتباطی ایران-اروپا شرایطی را برای این شهر فراهم کرد تا مرکز مهم اقتصادی و اداری در سطح منطقه و کشور برای یک دوره تاریخی طولانی باشد. در تحقیق حاضر به بررسی پویش شهرنشینی در تبریز پس از 1340 هجری شمسی پرداخته شده است. در این راستا از روش تحقیق اسنادی استفاده شده و نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که از سال 1340 هجری شمسی به بعد سه عامل عمده، شهر تبریز را دچار تحول اساسی می کنند که عبارتند از اصلاحات ارضی، برنامه سوم توسعه که تبریز را بعنوان یکی از قطب های رشد کشور مطرح می کند و برای این منظور طرح های بزرگ صنعتی در تبریز اجرا می شود و اقتصاد نفت ایران که کشاورزی و استخراج مازاد تولید منطقه را از بین می برد و نقش دولت را در امور زندگی مردم بیشتر می کند. این عوامل موجب می شود کالبد شهر متحول شده و بافت های جدیدی پیرامون شهر شکل بگیرند و کم کم ساختار کنونی شهر ایجاد شود. پویش شهرنشینی تبریز در جهتی بوده که باعث شده با وجود اینکه شهر تبریز شباهت هایی را در روند تغییرات ساختار داخلی خود در دهه های اخیر با برخی شهرهای غربی نشان می دهد، اما در مجموع به لحاظ ساختار فضایی دارای ویژگی های یک شهر جهان سوم باشد.

**کلمات کلیدی:** تبریز، شهرنشینی، پویش های اجتماعی، توسعه اقتصادی، مهاجرت.

## The Process of Urbanization in Tabriz

Mehdi, Rafiee 1; Mohammad Karim, Raesi 2; Sajjad, Bazvand 3

1- PhD Student of Sociology & Lecturer in Payam Noor University, Iran.

2- Lecturer of Geography & Urban Planning in Payam Noor University, Iran.

3- Lecturer of Geography & Rural Planning in Payam Noor University, Iran.

### Abstract

*Appropriate geographical position of Tabriz and its location in Iran-Europe communication route has provided conditions for this city to become economic center of the region and the country for a long historical period. In this paper the process of urbanization in Tabriz after 1340 hijri shamsi has been examined. Documentary method of study has been used in this regard and the results of study shows from 1340 three main factors, has brought major changes to Tabriz, these factors include land reforms, Third development plan which introduced Tabriz as one of growth poles of the country and for this reason big industrial plans has implemented in Tabriz, and Iran's oil economy that destroyed surplus production of the region and increased role of government in lives of people. These factors have evolved the city, have formed new buildings around the city and slowly have formed current structure of the city. Although the city of Tabriz shows similarities in its internal structural changes with some western cities in recent decades, but in general from its spatial structure point of view, it has characteristics of a third world city.*

**Key Words:** Tabriz, Urbanization, Social Processes, Economic Development, Migration.

### مقدمه

شهرنشینی یکی از مهم ترین ابزارهای انتقال جوامع انسانی از دوره ای به دوره دیگر بوده است و تقریباً همه جوامع انسانی از کوچک و بزرگ نوعی از آن را در طول حیات خویش تجربه کرده اند (بنی فاطمه، 1377: 26). به طور کلی آمار تحولات جمعیتی حاکی از این امر هستند که جمعیت جهان در طی دو قرن گذشته رو به تمرکز در شهرها دارد. به عبارت دیگر، به دنبال وقوع انقلاب صنعتی شاهد روند فزاینده شهرنشینی در جهان هستیم که این امر نخست در کشورهای موسوم به جهان اول و از اوایل قرن گذشته در کشورهای جهان سومی اتفاق می افتد (بابایی اقدم، 1378: 5). بر اساس گزارش سازمان ملل متحد نیز در آغاز قرن حاضر جمعیت جهان از مرز شش میلیارد نفر فراتر رفت و هر چه بیشتر در نقاط شهری متمرکز شد، و تقریباً نزدیک به 90 درصد این جمعیت (جمعیت شهرنشین) به مناطق شهری کشورهای در حال توسعه تعلق دارد (UN-Habitat, 2003: 25). بدین ترتیب، این پدیده پدیده ای جهانی است و تقریباً تمام کشورها آن را تجربه کرده یا می کنند. این فرایند جهانی، توزیع فضایی ساکنین کره ی خاکی را در تمام قسمت های جهان شکل داده و هنوز هم در حال شکل دادن است و فرایندی است که به نظر برگشت ناپذیر می نماید (Pumain, 2006: 319). شهرنشینی سریع در ایران نیز تقریباً پس از سالهای 1300 هجری شمسی و بدنبال تحولاتی که در سیستم اقتصادی-سیاسی جامعه رخ می دهد، اتفاق می

افتد. بدینصورت که در آن سالها پایه های دهقانی جامعه دوره قاجار فرو ریخته و مرحله گذار به سرمایه داری وابسته در ایران شروع می گردد... در مرحله گذار به سرمایه داری وابسته، فعالیت های اقتصادی جهت آماده کردن زیر ساخت ها هر روز رونق بیشتری می گیرند و تا سالهای 1320 هجری شمسی به علت گسترش روز افزون این موارد، تقریباً مشکلات حادی همچون مهاجرت روستائی- شهری، شهرنشینی بی رویه و بیکاری های ناشی از این فرایند (شهرنشینی افراطی) بوجود می آیند (بنی فاطمه، 1374: 40-41). در حقیقت با آغاز تحولات جدید سیاسی و اقتصادی، تحولات اجتماعی نیز خود را در سکونتگاه ها و شیوه معیشت و شهرنشینی سریع نمایان ساخت و بافت جدیدی در شهرها با رشدی شتابان شروع شد (حسامیان، 1363: 164). بیشتر محققان، دوره جدید را در تحولات شهری در ایران مقارن با روی کار آمدن رضا شاه میدانند. دوره ای که تحولات قابل ملاحظه ای را در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی در حیات شهری تا به امروز به همراه داشته است (عظیمی، 1383: 737). در حقیقت حکومت پهلوی به صنعتی شدن و مدرن شدن ایران سرعت بخشید که خود نقشی اساسی در شهری شدن ایران داشت (Maghsoodi Tilaki et al, 2013: 1453). با استقرار حکومت پهلوی در ایران، تغییرات اساسی در کلیه شئون اجتماعی و اقتصادی کشور آغاز شد و تبریز بعنوان دومین شهر کشور نیز دچار تغییرات فراوانی شد. جاده تهران به تبریز که اولین شاهراه حیات اقتصادی بود کشیده شد و خیابان پهلوی در امتداد راه تهران- تبریز در داخل شهر احداث گردید و در سالهای بعد از شرق به دروازه تهران، از شمال غرب به جاده مرند و از جنوب غرب به جاده مراغه متصل شد. خیابان های شمالی- جنوبی شهر نیز در همین دوران تاسیس شدند (یزدانی و پوراحمد، 1386: 42). اقدامات شهرسازی این دوره در تبریز بطور کلی بافت سنتی را از هم گسیخت و خیابان ها را بر بافت سنتی تحمیل کرد. بافت ارگانیک پیاده رو های قبلی را از بین برد و خیابان های اتومبیل رو هندسی منظم جای آنها (خیابانهای قبلی) را گرفت. این اقدامات زمینه را برای سازگاری با تحولات جدید و مدرنیستی فراهم آورد. در این دوره و مخصوصاً از 1920 به بعد حاشیه نشینی نمایان می شود و در منطقه شمال شهر محله های دره ایچی، قربانی، سیلاب، حیدر آباد- داداش آباد و در منطقه های جنوبی شهر، محله های یانوق و مارالان، حاشیه نشینی را تجربه کردند (همان: 44).

ویژگی های کالبدی شهر تبریز را از سال 1300 هجری شمسی به بعد میتوان در دو دوره مورد بررسی قرار داد، دوره اول از به حکومت رسیدن رضاخان تا سال 1340 هجری شمسی و دوره دوم از سال 1340 به بعد است. در دوره اول، اقدامات شبه مدرنیستی رضاخان در شهر تبریز انجام می شود و تحولات بنیادین در بافت سنتی شهر بوجود می آید و در دوره دوم، با اجرای اصلاحات ارضی و تعیین تبریز بعنوان قطب رشد منطقه، مهاجرت های بی رویه روستائیان به تبریز و نیز مهاجرت از شهرهای کوچک به این شهر شروع می شود (یزدانی و پوراحمد، 1386: 42). در حقیقت موقعیت مناسب جغرافیایی شهر تبریز در مرکز آذربایجان و قرار گرفتن آن در سر راه ارتباطی ایران- اروپا شرایطی را برای این شهر فراهم کرد تا مرکز مهم اقتصادی و اداری در سطح منطقه و کشور برای یک دوره تاریخی طولانی باشد. این موضوع از دلایل اصلی پیدایش این شهر و ادامه حیات آن به رغم حوادث دردناک متعدد بوده است. به دلیل موقعیت این شهر که در نزدیکی کشورهای روسیه و ترکیه است، تاریخ این شهر تا حدود زیادی با مسائل سیاسی گره خورده است بگونه ای که رشد یا عدم رشد آن با تصمیمات سیاسی رابطه داشته است (عظیمی، 1383: 740-741). در واقع از آنجا که تبریز در مسیر ارتباطی جاده ابریشم قرار داشته از دیر باز یکی از مهم ترین مراکز تجاری در ایران و جهان بوده است (Ahour, 2011: 201). و داشتن ارتباط تجاری با چین و اروپا باعث شده بود این شهر فرهنگ شرق و غرب را مبادله نموده و بنابراین نقشی محوری در تاریخ اقتصاد و جنبش های اجتماعی و فرهنگی در ایران داشته باشد (Hanachi & Yadollahi, 2011: 1028). امروزه نیز به دلیل قرار داشتن بسیاری از کارخانجات بزرگ صنعتی در تبریز و نیز وجود شرکت های متعدد قطعه ساز در آن، این شهر بعنوان یکی از شهرهای صنعتی کشور به شمار می رود و به همین دلیل، یکی از بزرگترین شهرهای مهاجرپذیر ایران محسوب می شود. بدین ترتیب، شهر

تبریز در حال حاضر یکی از بزرگترین شهرهای ایران است و به تبعیت از تاریخ پر فراز و نشیبش، گسترش و توسعه فیزیکی آن نیز با تغییرات و تحولات بسیاری همراه بوده است.

با توجه به این مسئله طبیعی است که تحقیقات و پژوهش های متعددی در ارتباط با مباحث شهری مرتبط با تبریز نیز از سوی محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی صورت گرفته باشد. یکی از این مباحث بدون شک پویش شهرنشینی در تبریز و بررسی عوامل مختلف تاثیر گذار بر این پویش است. از جمله چنین تحقیقاتی میتوان به تحقیق عظیمی (1380) اشاره کرد که در مقاله ای با عنوان " تغییرات ساختار شهری در تبریز" به بررسی تغییرات ساختار شهری تبریز طی دوره 1345 تا 1370 پرداخته و عمده ترین این تغییرات را مواردی از قبیل به زیر ساخت و ساز رفتن گسترده باغات و زمینهای کشاورزی اطراف شهر، گسترش شهر بخصوص ایجاد مناطق مسکونی جدید الاحداث در مناطق پرخطر از لحاظ سوانح طبیعی احتمالی، جدایی گرینی بیشتر گروههای اجتماعی، افت فیزیکی بخش های قدیمی شهر، و توزیع نامتعادل خدمات عمومی عنوان می کند. پژوهش دیگری از این دست از آن پورمحمدی و جام کسری (1389) است که در مقاله ای با عنوان "ارزیابی ناپایداری در توسعه فضایی متروپل تبریز" ذکر کرده اند که تبریز طی دهه های اخیر رشدی شتابان، لجام گسیخته و بی قواره داشته و تحولات جمعیتی و کالبدی ناباورانه ای را تجربه کرده است بطوری که نوعی شهرسازی نا اندیشیده و ناپایدار در آن به وقوع پیوسته است. در پژوهشی دیگر نیز صدر موسوی و رحیمی (1391) در مقاله ای که با عنوان "تحلیلی بر توسعه ی کالبدی تبریز و تخریب اراضی کشاورزی و فضاهای سبز شهری" به چاپ رسانده اند به این نتیجه گیری رسیده اند که گسترش نافرجام ساخت و سازها در شهر تبریز باعث تخریب فضاهای سبز و زمین های زراعی در دهه های اخیر شده بطوری که 20 درصد از سطح فضای سبز و 24 درصد از سطح زمین های زراعی تخریب شده است. با نگاهی به این پژوهش ها و پژوهش های مشابه دیگر میتوان به این نکته پی برد که این تحقیقات با وجود دارا بودن ارزش علمی و پژوهشی فراوان اما بیشتر به نتایج و فرجام فرایند شهرنشینی در تبریز پرداخته و کمتر به عوامل تاثیرگذار و بوجود آورنده این فرایند تمرکز داشته اند لذا با توجه به این مسئله جای خالی تحقیقی جامعه شناختی که نقطه تمرکزش خود عوامل و فاکتورهای تاثیرگذار بر پویش شهرنشینی در تبریز بوده و علل و مسببات شهرنشینی در تبریز را هدف مطالعاتی خود قرار داده باشد احساس می شود. در پژوهش حاضر به بررسی پویش شهرنشینی در شهر تبریز و چگونگی تاثیرات پویش های اجتماعی- اقتصادی بر توسعه و گسترش این شهر از دوره تاریخی 1340 هجری شمسی به بعد پرداخته شده و هدف ما بررسی فرایند شهرنشینی در تبریز و پویش های اجتماعی- اقتصادی مرتبط با این مسئله از دهه 1340 هجری شمسی به بعد است. در این راستا از روش تحقیق اسنادی استفاده شده و سوال اساسی پژوهش حاضر بر این اساس این است که مهم ترین عوامل تاثیر گذار بر فرایند شهرنشینی در تبریز پس از دهه 1340 چه عواملی هستند و تاثیراتشان به چه صورت و با چه مکانیسمی بوده است.

## چارچوب نظری

در رابطه با مطالعات شهری و شهرنشینی مکاتب و دیدگاههای برجسته ای وجود دارند که یکی از نخستین مکاتب اینچنینی مکتب بوم شناختی یا اکولوژیکی<sup>1</sup> است. از جمله بنیانگذاران و پیشگامان این مکتب میتوان به رابرت پارک<sup>2</sup> اشاره کرد. پارک و همفکرانش از بومشناسی علوم طبیعی استفاده کرده اند تا از آن طریق چگونگی استقرار جمعیت انسانی و نهادهای اجتماعی را در فضای شهری تبیین کنند. هدف محیط شناسی انسانی کشف اصول و قوانینی است که باعث پیدایش الگوهای خاص جابه جایی جمعیت و قرار گرفتن آنها در فضاها و مکان های خاص می شود (ممتاز، 1379: 124). گذشته از پارک،

<sup>1</sup>- Ecology

<sup>2</sup>- Robert. E. Park

برجس<sup>3</sup> دیگر نویسنده مکتب شیکاگو نیز بر اهمیت فرایندهای بوم‌شناختی تأکید می‌نمود و بر این اساس، مدل سیمای شهر خود را ترسیم کرد (ساوج و وارد، 1387: 14). در مکتب بوم‌شناختی یا اکولوژیک مفهوم ناحیه‌های طبیعی از مفاهیم اساسی و مهم به شمار می‌رود که بیانگر سکونت گاههای گروه‌های مردمی است که به علت زندگی در قلمرو مشترک، فرهنگ‌های مشخص و متمایزی را پدید می‌آورند. این نواحی از آن روی طبیعی خوانده می‌شوند که با برنامه قبلی ایجاد نشده‌اند و در واقع خودرو هستند. از این رو نتیجه طراحی قبلی به شمار نمی‌روند بلکه گرایشهای ذاتی موقعیت شهری را بروز می‌دهند (بنی فاطمه، 1381: 3). مکتب و دیدگاه دیگر، مکتب جمعیت‌شناختی<sup>4</sup> است که جمعیت را متغییر اصلی و محور مطالعات خود تلقی می‌کند و شهر و شهرنشینی را در پرتو این متغییر می‌نگرد و می‌کوشد تا به یاری فنون کمی علم جمعیت‌شناسی شاخص‌های جمعیتی متنوعی را برای کل جمعیت شهرنشین محاسبه نموده و از مقایسه نتایج به دست آمده، روابط بین متغییرها را دریابد و در نهایت قانون مندی‌های جمعیتی مستقر در آنها را استنتاج کند (همان: 3-4). مطالعات مربوط به جریان‌های جمعیتی در نواحی شهری نوعاً با چهار مساله سر و کار دارند که عبارتند از 1- میزان شهری شدن یک کشور، منطقه یا محدوده‌ای مفروض 2- ماهیت رشد جمعیت شهرنشین از طریق افزایش طبیعی جمعیت یا به علت مهاجرت خالص 3- ترکیب و توزیع مکانی جمعیت شهرنشین و 4- تاثیر ناهمگون شدن و تجزیه الگوهای روابط اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی بر ترکیب و رشد جمعیت شهرنشین (Matras, 1970: 116). بدین ترتیب نقطه تمرکز مطالعات این مکتب همانا بحث حرکات طبیعی و مکانی جمعیت است و شهر و شهرنشینی را از این زاویه مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد.

دیدگاه‌های جدیدتر شهرنشینی تأکید کرده‌اند که شهرنشینی باید در رابطه با الگوهای عمده‌ی دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی تحلیل شود. از جمله چنین دیدگاه‌هایی میتوان به دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا اشاره کرد که از گرایشهای بسیار متفاوتی تشکیل شده است. از جمله معروفترین نظریات در این دیدگاه میتوان به نظریه مانوئل کاستلز<sup>5</sup> اشاره کرد (بنی فاطمه، 1381: 6). کاستلز، تأکید می‌کند که شکل فضایی یک جامعه با مکانیسم‌های کلی توسعه‌ی آن رابطه‌ی نزدیک دارد. برای شناخت شهرها، ما باید فرایندهایی را که به وسیله‌ی آنها شکل‌های فضایی ایجاد و دگرگون می‌شوند درک کنیم. طرح‌ها و ویژگیهای معماری شهرها و محلات مبارزات و ستیزه‌های میان گروه‌های مختلف را در جامعه بیان می‌کنند. به سخن دیگر، محیط‌های شهری نمایانگر تجلیات نمادین و فضایی نیروهای اجتماعی کلی ترند (Castells, 1983: 103). کاستلز برخلاف جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو شهر را جایگاه مشخص (مستقل) و جداگانه‌ای نمی‌داند، بلکه آن را بخش تفکیک‌ناپذیر فرایندهای هدف جمعی تلقی می‌کند (گیدنز، 1386: 836). بر این اساس، با توجه به مباحث مطرح شده توسط این دیدگاه میتوان گفت پویای شهرنشینی، جزئی اساسی از پویایی جوامع انسانی است. شهرها به واسطه تغییرات در توزیع فضایی جمعیت و منابع، منعکس‌کننده ارتباط متقابل نواحی شهری و روستائی، بخش‌های اقتصادی، طبقات و گروه‌های اجتماعی هستند (Bonifazi & Heins, 2003: 23). با وجود اینکه میتوان پویای شهرنشینی در تبریز را نیز از زوایای مختلف و بر اساس هر کدام از مکاتب بوم‌شناختی، جمعیت‌شناختی یا اقتصاد سیاسی مورد بحث و بررسی قرار داد اما به نظر می‌رسد بررسی این مسئله بر اساس دیدگاه اقتصاد سیاسی و در چهارچوب نظریه کاستلز میتواند منجر به بینشی کامل‌تر و غنی‌تر از این پدیده شده و اطلاعات وسیع‌تری را در بر داشته باشد. بعبارت دیگر بررسی پویای شهرنشینی در تبریز از دهه 1340 هجری شمسی به بعد در چهارچوب تحولات و فرایندهای اجتماعی-اقتصادی گسترده‌تری که در آن دوران در فضای جامعه رخ داده است میتواند منجر به درک کاملتر و جامع‌تری از این پدیده شده و شناخت گسترده‌تری را در مقایسه با سایر مکاتب و دیدگاه‌های مطالعات شهری همچون مکتب بوم‌شناختی و جمعیت‌شناختی در اختیار ما قرار دهد.

<sup>3</sup>- Burgess

<sup>4</sup>- Demographic

<sup>5</sup>- Manuel Castells

## روش شناسی

با توجه به موضوع مورد مطالعه در این تحقیق که عبارتست از بررسی پویای شهرنشینی در شهر تبریز به نظر می‌رسد روش مناسب برای تحقیق حاضر روش اسنادی است. پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد مانند آرشیوها یا آمار رسمی است (مجدر، 1382: 276). اسنادی که در پژوهش اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرند عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی است که توسط نویسندگان و پژوهش‌گران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم گردیده‌اند (گیدنز، 1378: 726). بدین ترتیب با استفاده از مطالعات اسنادی و مرور متون و مطالب موجود مرتبط با موضوع، اطلاعات و شواهد مرتبط با مبحث پویای شهرنشینی در تبریز جمع‌آوری شده و در راستای درک مستدل و نظام‌مند از این پدیده مورد تجزیه و تحلیل و بحث قرار می‌گیرند.

## یافته‌ها و بحث

از اواسط دهه 1330 به بعد و بخصوص از دهه 1340 به این طرف شروع مرحله جدیدی برای تبریز از لحاظ رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی بود که به دنبال خود توسعه فیزیکی و تغییر در الگوی توزیع فعالیت‌ها و گروه‌های اجتماعی را به همراه داشت (عظیمی، 1380: 4). بطور کلی در دهه‌های 40 و 50 هجری شمسی خط مشی‌های سیاسی و اقتصادی دولت به گسترش سریع شهرها و فعالیت‌های شهری انجامید. افزایش درآمد و مصرف در شهر و رکود روستانشینی به مهاجرت جمعی روستائیان به شهرها منجر شد. گسترش بوروکراسی دولتی و تمرکز بیش از پیش و در واقع شگفت‌انگیز تصمیمات اجرائی، روند مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را به همراه داشت (همایون کاتوزیان، 1381: 322). در نتیجه صنعت‌گرایی و سیاست‌های ایجاد قطب رشد در برنامه سوم عمرانی قبل از انقلاب، جمعیت شاغل فعال در بخش صنعت تا سال 1355 بطور چشم‌گیری افزایش پیدا کرد. از سال 1355 تا 1365 در نتیجه تغییر مدیریت کشور، جنگ بین ایران و عراق و نبود برنامه ریزی در کشور، اشتغال و فعالیت در بخش صنعت کاهش محسوسی را تجربه کرد. از سال 1365 به بعد در نتیجه اتمام جنگ ایران و عراق، اجرای برنامه‌های اول و دوم عمرانی بعد از انقلاب اسلامی و تثبیت نظام مدیریتی کشور، اشتغال و فعالیت در صنعت بهبود چشمگیری یافت (یزدانی و پوراحمد، 1386: 41).

در حقیقت یکی از فرایندهایی که الگوی شهرنشینی در ایران را در طول 5 دهه گذشته تحت تاثیر قرار داده است تاسیس صنایع و کارخانجات در حومه شهرها بوده است. توسعه صنعتی زمانی شروع شد که حکومت اولین طرح توسعه ملی را به اجرا در آورد و با اجرای طرح قطب‌های صنعتی در دومین طرح توسعه ملی که در بر دارنده (تاسیس این قطب‌ها) در شهرهای بزرگی همچون تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز بود تداوم پیدا کرد (Maghsoodi Tilaki et al, 2013: 1454). دسترسی به درآمدهای نفتی و افزایش آن در اوایل دهه 70 میلادی نیز نقش فعال حکومت (در اقتصاد را) توجیه‌پذیر و هموار نمود. کشور تحت چندین تغییر ساختاری قرار گرفت. سهم کشاورزی از کل تولید ناخالص داخلی کاهش پیدا کرد در حالیکه سهم بخش صنعت افزایش یافته، و سهم کارگران صنعتی در کل نیروی کار بالا رفت (Amid & Hadjikhani, 2005: 2). در نتیجه صنعت‌گرایی و سیاست‌های ایجاد قطب رشد در برنامه عمرانی سوم قبل از انقلاب جمعیت شاغل فعال در بخش صنعت در سال 1355 به حد اکثر خود رسید. از سال 1355 تا 1365 در نتیجه تغییر مدیریت کشور از حکوت پهلوی به جمهوری اسلامی و عدم ثبات در مدیریت کشور، جنگ بین ایران و عراق و نبود برنامه ریزی در کشور، اشتغال و فعالیت در بخش صنعت کاهش محسوسی را تجربه کرد. از سال 1365 به بعد در نتیجه اتمام جنگ، اجرای برنامه‌های اول و دوم عمرانی

<sup>6</sup> - Bureaucracy

بعد از انقلاب اسلامی، و تثبیت نظام مدیریتی کشور، اشتغال و فعالیت در بخش صنعت بهبود چشمگیری یافت (یزدانی و پور احمد، 1386: 41). با نگاهی به جدول زیر که درصد شاغلان در بخش های عمده فعالیت اقتصادی بین سالهای 1345 تا 1375 را نشان می دهد میتوان این موضوع را به روشنی دریافت که در فاصله دوره زمانی 1355 تا 1365 بخش صنعت که بعنوان یکی از موثرترین و اصلی ترین محرک های فرایند شهرنشینی نوین در تبریز به شمار می رود دچار افت جدی شده است و از 57/2 درصد در سال 1355 به حدود 34/6 درصد در سال 1365 رسیده است حال آنکه در دوره زمانی 1365 تا 1375 از 34/6 درصد به 47/5 درصد ارتقا یافته است.

جدول شماره 1: تغییرات درصد شاغلان در تبریز در بخش های عمده فعالیت اقتصادی. { یزدانی، 1382 }.

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات
1345	2/6	52/3	45/1
1355	1/9	57/2	40/9
1365	1/7	34/6	63/7
1375	1/5	47/5	51

در سال 1335 هجری شمسی تبریز با جمعیتی بالغ بر 289 هزار نفر دومین شهر ایران بود که در دوره های بعد<sup>7</sup> (1345، 1355، 1365، 1375) به ترتیب با 403,413، 597,976، 971,482، 1,191,043 نفر به رتبه چهارمین شهر ایران رسید (یزدانی و پور احمد، 1386: 40). بدین ترتیب جمعیت تبریز در عرض 50 سال نزدیک به پنج برابر افزایش یافته است و از 289 هزار نفر در سال 1335 هجری شمسی به چیزی نزدیک به یک میلیون و چهارصد هزار نفر در سال 1385 هجری شمسی رسیده است که نشان دهنده تمرکز بالای جمعیت در این شهر است. جدول زیر نشان دهنده میزان رشد جمعیت تبریز در دوره های مختلف است:

جدول شماره 2: روند افزایش جمعیت شهر تبریز طی دوره زمانی 1319 تا 1385. { مرکز آمار ایران، 1391 }.

دوره زمانی	جمعیت اول دوره (نفر)	جمعیت پایان دوره (نفر)	میزان افزایش جمعیت	نرخ رشد سالانه (درصد)
1319-1335	213,543	289,996	76,456	1/93
1335-1345	289,996	403,413	113,417	3/35
1345-1355	403,413	597,976	194,563	4/01
1355-1365	597,976	971,482	373,506	4/97
1365-1375	971,482	1,191,043	219,561	2/05
1375-1385	1,191,043	1,398,060	207,017	1/62
1335-1385	289,996	1,398,060	1,108,064	3/2

<sup>7</sup> این دوره ها دوره هایی بوده اند که در ایران سرشماری عمومی نفوس و مسکن صورت گرفته است بدین صورت که اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران در سال 1335 هجری شمسی و جدیدترین سرشماری در سال 1390 هجری شمسی انجام شده است.

جمعیت تبریز طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1390 هجری شمسی نیز چیزی در حدود یک میلیون و هفتصد هزار نفر برآورد شده است<sup>8</sup> (مرکز آمار ایران، 1391). که نشان دهنده افزایش تقریباً 300 هزار نفری جمعیت این شهر طی دوره زمانی 1385 تا 1390 هجری شمسی می باشد و با مقایسه این رقم با 289 هزار نفر جمعیت سال 1335 هجری شمسی میتوان به این نکته پی برد که جمعیت تبریز در عرض 55 سال تقریباً نزدیک به شش برابر شده است که رقم بسیار بالایی است و بی شک یکی از دلایل این امر مهاجرت گسترده به این شهر می باشد که در نتیجه سیاست های اصلاحات ارضی و قطب رشد قرار دادن تبریز اتفاق افتاده است. درحقیقت با توجه به این واقعیت که بیشتر کارگاه های بزرگ صنعتی استان آذربایجان شرقی در تبریز مستقر شده اند طبیعی است که این امر سبب مهاجرت نیروی کار مورد نیاز برای فعالیت در این کارگاه ها از نقاط مختلف استان به این شهر شده باشد. همانگونه که توماس<sup>9</sup> اظهار داشته است مهاجرت و شهرنشینی دو جنبه مرتبط بهم هستند. مهاجرت، شهرنشینی را وسعت می بخشد و شهرنشینی علت مهاجرت است (Thomas, 1968: 119). میتوان گفت رشد سریع شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بویژه در ایران حاصل افزایش طبیعی جمعیت و مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ بوده است (بنی فاطمه و کوهی، 60:1385).

با توجه به آنچه گفته شد میتوان به این واقعیت اذعان کرد که از سال 1340 هجری شمسی به بعد سه عامل عمده (سه فرایند تاثیر گذار بر پویای شهرنشینی نوین)، شهر تبریز را دچار تحول اساسی می کنند که عبارتند از:

- 1- اصلاحات ارضی
- 2- برنامه سوم توسعه که تبریز را بعنوان یکی از قطب های رشد کشور مطرح می کند و برای این منظور طرح های بزرگ صنعتی در تبریز اجرا می شود و
- 3- اقتصاد نفت ایران که کشاورزی و استخراج مازاد تولید منطقه را از بین می برد و نقش دولت را در امور زندگی مردم بیشتر می کند. این عوامل موجب می شود کالبد شهر متحول شده و بافت های جدیدی پیرامون شهر شکل بگیرند (یزدانی و پورا احمد، 46:1386).

الگوی ساختار شهری تبریز برای سال 1345 هجری شمسی تا حدودی مشابه شیوه ساختار شهری دوره قبل از نوگرایی شهرهای غربی می باشد که عمدتاً در نتیجه توسعه تاریخی آن بوده است که از مشخصه های آن تمرکز بیشتر فعالیت های اقتصادی و جمعیت در مرکز شهر بود. بازار، ادارات، بیشتر واحدهای آموزشی، بهداشتی و تولیدی معمولاً در قسمت های مرکزی شهر مستقر بودند و گروه های اجتماعی بالادست بخاطر دسترسی آسان به خدمات، تمایل به سکونت در قسمت های مرکزی و اطراف بازار داشتند. در مقابل، گروه های اجتماعی پایین دست بسوی حاشیه شهر رانده می شدند و طبقات اجتماعی متوسط مابین گروه های اجتماعی بالادست و پایین دست سکونت داشتند. ضعف کلی در سیستم حمل و نقل، دلیل مهم دیگر تمرکز بیشتر جمعیت و فعالیت در قسمت های مرکزی شهر محسوب می شد (عظیمی، 18:1380). اما در نتیجه این عوامل (اصلاحات ارضی، برنامه سوم توسعه، و اقتصاد نفت)، گسترش ناشی از نیازهای جدید شهری، استقرار فعالیت ها و خدمات مربوط به سطوح منطقه ای و ملی در دهه های گذشته بیش از پیش شتاب گرفت. استقرار فرودگاه و صنایع در شمالغرب و غرب شهر از این دسته عوامل هستند. سطوح مسکونی که به تناسب در درون و بطور پراکنده در حاشیه ساخته می شد، با شدت گرفتن نرخ رشد جمعیت از توسعه سنتی تغییر شکل داد و سطوح یکپارچه ای مانند ولیعصر و دیگر محلات جدید به

<sup>8</sup> - جمعیت دقیق تبریز بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1390 هجری شمسی 1,695,094 نفر می باشد.

<sup>9</sup> - Tomas



اضافه سطوح ناشی از ساخت و سازهای حاشیه ای در شمال و جنوب شهر را به وجود آورد (حسین زاده و همکاران، 1388: 6).

رویکرد استفاده از منابع نفتی باعث تقویت هر چه بیشتر وابستگی کشور به منابع نفتی و تک محصولی شدن در طول زمان شد. در تخصیص بودجه های عمرانی نیز میتوان به نابرابری در توزیع ثروت ناشی از نفت اشاره نمود که در سلسله مراتب شهری ایران باعث شکاف در اندازه و گسترش شهرها شده است و عواملی چون ایجاد پدیده نخست شهری، عدم توسعه روستایی، مهاجرت مردم از روستا به شهر، گسترش شهرهای میانی (البته با تفاوت فاحش از کلان شهرها) و سرریز شدن جمعیت به شهرهای بزرگ تر و غیره را موجب شده است (کلانتری و قنبری، 1387: 10). هر چند سهم ایران از درآمدهای نفتی بسیار پایین تر از شرکای خارجی اش بود و بعنوان نمونه با وجود اینکه تخمین زده می شود سود شرکت نفت ایران و انگلیس<sup>10</sup> در طی دوره زمانی 1919 تا 1930 چیزی بیش از 200 میلیون پوند بوده باشد اما حق امتیازی که به حکومت ایران پرداخته شد بیش از 10 میلیون پوند نبوده است (Karshenas, 1990: 80-81). اما حتی با وجود این نابرابری در کسب سود حاصل از فروش نفت نیز، وقتی این درآمدها در اقتصاد شهری تزریق شدند، شهرها تحت تاثیر نظام اقتصاد جهانی قرار گرفتند و به دنبال آن الگوی توسعه بسیاری از شهرهای ایران روندی شتابان و بی رویه بخود گرفت (ماجدی، 1378: 6). نتیجه وابستگی به درآمدهای نفتی همانا غفلت از تولید داخلی و کشاورزی بود چرا که درآمدهای نفت صرف واردات کالاها می شد که خود موجب معرفی مصرف گرایی به جامعه ایرانی (و شهرنشینان) شد (Maghsoodi Tilaki et al, 2013: 1454).

بدین ترتیب بوجود آمدن اقتصاد تک محصولی (نفت) و در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی از سوی برنامه ریزان باعث مهاجرت روستائیان بطرف شهرهای بزرگ ایران (از جمله تبریز شد) بطوریکه درصد مهاجرت روز به روز بیشتر شده و از 11/3 درصد در سال 1335 به 15/5 درصد در سال 1355 و 21/6 درصد در سال 1365 می رسد (بنی فاطمه، 1374: 45). و همین مهاجرت گسترده روستائیان به شهر تبریز همانگونه که پیش تر گفته شد باعث افزایش چندین برابری جمعیت تبریز در طول دهه های گذشته شد، در حالیکه بودجه و منابع مالی لازم برای مدیریت بهینه این جمعیت انبوه اختصاص داده نشد و تبریز نیز همچون بسیاری از دیگر شهرهای بزرگ ایران گرفتار مشکلات شهری ای همچون کمبود مسکن، کمبود زیر ساخت های شهری، و شکست فرایند کشاورزی سنتی شد (Maghsoodi Tilaki et al, 2013: 1453). در حقیقت میتوان گفت عملکردهای ناپایدار منجر به رشد شهری کنترل نشده و بوجود آمدن اسکان های غیر رسمی در داخل و اطراف شهرها شدند (همان).

همانگونه که ذکر شد در سال 1343 هجری شمسی قانون اصلاحات ارضی در آذربایجان به اجرا گذاشته می شود و در سال 1342 نیز در برنامه سوم عمرانی کشور، تبریز به عنوان قطب رشد منطقه مطرح و برای نیل به این هدف صنایع سنگین و انواع صنایع دیگر در تبریز تاسیس می شود. نتیجه این امر، تزریق دو محرکه قوی بر پیکر شهر بود که روستائیان رها شده از روستا (در نتیجه اصلاحات ارضی) را به شهر جذب می کند. زمین های کشاورزی و باغ های اطراف شهر به زیر ساخت و ساز می رود و علاوه بر این، چند روستا به زیر ساخت و ساز می رود و چند روستای دیگر از جمله بارنج در شرق، قراملک در غرب، لاله در رواسان- اخماقیه در جنوب و جنوب غرب و ائل گلی در جنوب شرق به شهر متصل می شوند (یزدانی و پوراحمد، 1386: 46). در واقع سیاست عمرانی قطب رشد کردن تبریز، تحولاتی اساسی در اقتصاد تبریز را بدنبال داشته و سازندگی های فراوانی را در این شهر موجب گردید از جمله اینکه فرودگاه تبریز در سال 1344 بنا می شود و در همین سال ساختمان جدید راه آهن در غرب شهر بنا می گردد. صنایع سنگین ماشین سازی تبریز در سال 1345 پایه گذاری می شود و در سال

<sup>10</sup>- Anglo-Iranian Oil Company (AIOC)

1351 به بهره برداری می رسد. تراکتورسازی تبریز در سال 1346 پایه گذاری می شود. کارخانه سیمان صوفیان در سال 1349 و کارخانه دورمن دیزل در سال 1350 به بهره برداری می رسد. پروژه ایجاد موتور لیفتراک کمپرسور و موتور آبی صنعتی و پروژه ریخته گری در سال 1350 تاسیس می شوند. پالایشگاه نفت تبریز و صنایع دیگر نیز تا سال 1355 در منطقه صنعتی تبریز در غرب شهر تاسیس می شوند (یزدانی، 1382: 227). مسئله ای که به گسترش و توسعه این صنایع جدید یاری رساند این بود که بدنبال اجرای اصلاحات ارضی، اربابان و زمینداران سرمایه های خود را به شهرها انتقال دادند و نهادهای مالی، صنعتی و خدماتی را در شهرها تاسیس کردند. روستائیان نیز بخاطر کار در مشاغلی که درآمدهای بالاتری (در مقایسه با کشاورزی) داشتند به شهرها مهاجرت کردند (Rastandeh, 2009: 15). در نتیجه، این اصلاحات نتوانست به اهداف تعیین شده خود دست یابد و در عوض ساختارهای اجتماعی-اقتصادی در مناطق روستائی کشور را از بین برد. علاوه بر این، شهرهای ایران (از جمله تبریز) قادر به بکارگیری مهاجران فقیر و بدون تخصص در صنایع خود نبودند و گرچه روشن است که آنها به سر پناه نیاز داشتند اما بخاطر سطوح ناکافی درآمدشان قادر نبودند از کانال های قانونی به این خواسته دست یابند بنابراین سکونتگاه های مسکونی بدون کنترل و بدون برنامه ریزی ظاهر شدند و سرپناه ها بدون رعایت قواعد ساختمانی و رویه های توسعه شهری ساخته شدند (Maghsoodi Tilaki et al, 2013: 1455).

انتقال فعالیت های صنعتی از مرکز به حاشیه با پروژه توسعه مسکن برای کارگران کارخانجات در دهه های 1350 و 1360 دنبال گردید که بتدریج سبب جذب اقشار اجتماعی کم درآمد به حاشیه غربی شهر شد در حالیکه بخاطر بهبود شبکه های ارتباطی، اقشار با درآمد بالا به سکونت در تپه های شرقی شهر و شهرک جدید التاسیس ولی عصر روی آوردند. با توسعه تدریجی حاشیه شرقی، بتدریج فعالیت های جدید تجاری بیشتری در راستای رفع نیازهای جمعیت در حال افزایش این منطقه در اطراف خیابان های منتهی به حاشیه شرقی مستقر شدند (عظیمی، 1380: 20). بدین ترتیب اقشار پر درآمد شهر که تا پیش از این بدلیل نزدیکی به بازار و همچنین ضعف سیستم حمل و نقل عمومی بیشتر در مناطق مرکزی شهر ساکن بودند کم کم به سمت حواشی شرقی شهر حرکت کردند و شهرک های جدیدی بوجود آوردند. طی سالهای 1361 تا 1366 حدود 504 هکتار زمین در قالب 13 پروژه آماده سازی واگذار شد و طی سالهای 1366 تا 1371 نیز حدود 26 پروژه آماده سازی با مساحت 1659 هکتار جهت احداث 50866 واحد مسکونی طراحی و اجرا شد (Azimi, 1996: 151). البته بین واقعیت های موجود حاصل شده در نتیجه اجرای طرح های توسعه شهری و ایدال هائی که این طرح ها مد نظر داشتند تفاوت های بسیاری وجود دارد. بدینصورت که تهیه این طرح ها بر الگوی "شهر ماشینی" و اصول و مبانی حاکم بر آن، یعنی جدایی محل کار و زندگی و تفکیک کاربری ها متکی بوده است، لذا به نوعی به گسترش افقی شهرها کمک کرده است (رهنما و عباس زاده، 1378: 41). و باعث شده انباشتگی و تراکم ساختمان ها در تبریز نیز دو سیمای متفاوت از هم را در بخش های مختلف شهر داشته باشد، بدینصورت که انباشتگی ساختمان ها در بخش مرکزی شهر و همچنین مجتمع های برنامه ریزی شده نظیر شهرک های اطراف شهر، ناشی از بالا بودن تراکم ساختمانی بوده و اساسا فاقد ازدحام می باشد و این در حالیست که این امر در مناطق حاشیه ای و کم درآمد شهر ناشی از فقدان نظام منطقه بندی، فقدان کاربری های عمومی، درصد بسیار بالای کاربری مسکونی، ابعاد کوچک قطعات تفکیکی و در نتیجه تعداد بسیار زیاد واحدهای مسکونی می باشد (بابایی اقدم و همکاران، 1386: 13). این مسئله نشان دهنده این امر است که اقداماتی که می بایست بر اساس ملاحظات مبتنی بر نیازهای اساسی اجتماعی و اقتصادی برای جذب حاشیه ها در سبک زندگی شهری انجام شوند (Moitra, 1991: 255). صورت نگرفته اند و باعث گسترده تر شدن بیشتر و فراگیرتر مسئله حاشیه نشینی در تبریز شده اند. بدین ترتیب، تراکم جمعیت در مناطق حاشیه نشین زیاد است حال آنکه در مناطق مرفه نشین تراکم جمعیت خیلی کمتر می باشد. تراکم زیاد و ازدحام جمعیتی، خود منشا مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوانی است و حکایت از نوعی بی عدالتی در دسترسی به امکانات شهری

توسط ساکنان شهر دارد. ازدحام بسیار شدید جمعیت در مناطق مجاور خطوط گسل تبریز (حاشیه شمالی شهر) در صورت وقوع زلزله در این شهر، وقوع فاجعه عظیم انسانی را غیر قابل اجتناب خواهد ساخت (بابایی اقدم و همکاران، 12:1386). چشم انداز مناطق حاشیه شهری تبریز، بعنوان مناطق گذار بین مراکز شهری و روستایی می باشد. جای تعجب نیست که در کنار اراضی زراعی شاهد ساختمان های مدرن باشیم. در اینجا چشم انداز به دلیل تنوع کاربری اراضی آشفته می باشد. با توجه به دفن زباله ها در مناطق حاشیه شهر، انواع مختلف آلودگی در این مناطق شایع بوده و محیط زیست به نحوی جدی در معرض نابودی و تخریب می باشد (همان: 18). همانگونه که دویر<sup>11</sup> گفته است حاشیه نشینی که خود تا حدود زیادی ریشه در مهاجرت دارد، تحت تاثیر پارامترهائی چون فقر اقتصادی، نوع شغل، تعارض فرهنگی، بیسوادی، هویت قومی- فرهنگی و فقدان کنترل است که عوارضش در قالب برخی از پیامدهای حاد مسائل شهری تجلی می یابد (Dwyer, 1974: 9). اگر بخواهیم مناطق مسکونی شهر تبریز را از نظر قشربندی اجتماعی با توجه به شاخص هایی همچون گروههای شغلی، گروههای درآمدی، میزان استفاده از خدمات و تسهیلات شهری طبقه بندی کنیم، به چهار محل تقریباً همگون اجتماعی بر می خوریم که عبارتند از:

- 1- محل های همگون نوع اول که شامل سه محله می شود: ساکنان اقشار پردرآمد و مرفه، وجود تاسیسات و خدمات شهری زیاد و واحدهای مسکونی با کیفیت بالای ساخت و ساز و مصالح با دوام از ویژگی های این محلات است.
  - 2- محل های همگون نوع دوم که شامل دوازده محله می شود و بیشتر محلات قدیمی را در بر می گیرد و سطح زندگی و میزان دسترسی به امکانات و خدمات شهری کمی بیشتر از سطح میانگین کل شهر است و اقشار با درآمد متوسط و بالاتر شهر در این محلات ساکنند.
  - 3- محل های نوع سوم که یازده محله را شامل می شود و بطور عمده از فضاهای روستایی اطراف شهر محسوب می شوند که در سه دهه اخیر به شهر پیوسته اند. دو محله قدیمی نیز جزو اینها به حساب می آیند. سطح زندگی و میزان دسترسی به خدمات اجتماعی ساکنین این محلات پایین تر از کل شهر است و کارگران و حقوق بگیران ساکنین این محلات هستند.
  - 4- محل های نوع چهارم که مناطق حاشیه نشین به شمار می آیند و دارای هفت محله همگون است. ساکنان این محلات را اقشار کم درآمد، عشایر و روستائیان مهاجر، کارگران ساده ساختمانی و کارگران واحدهای تولید غیر رسمی و فعالان خرده پای امور خدماتی تشکیل می دهند. سطح زندگی، دسترسی به خدمات شهری و دوام ساختمان ها و مساحت این ساختمانها پایین تر از میانگین کل شهر است (مهندسی مشاور عرصه، 380:1368).
- نتایج عمده تغییرات در ساختار شهری تبریز را می توان در مواردی از قبیل به زیر ساخت و ساز رفتن گسترده باغات و زمین های کشاورزی در اطراف شهر، گسترش شهر بخصوص ایجاد مناطق مسکونی جدید الاحداث در مناطق پر خطر از لحاظ سوانح طبیعی احتمالی، جدایی گزینی بیشتر گروه های اجتماعی، افت فیزیکی بخش های قدیمی شهر و توزیع نامتعادل خدمات عمومی مشاهده کرد (عظیمی، 21:1380). گرایش به تجمع یا تخصصی شدن و تغییر در توزیع فضایی فعالیت های عمده شهری در تبریز ممکن است به قطبی شدن بیشتر فعالیت ها در آینده منجر گردد. چنین الگویی از توزیع فضایی فعالیت ها اصولاً به حرکت های داخل شهری بیشتر و بهبود قابل ملاحظه در شبکه های حمل و نقل نیاز دارد. قطبی شدن و توسعه جداگانه کاربری ها در نهایت میتواند به گسترش بی رویه شهر و جدایی گزینی بیشتر محلات مسکونی منجر گردد. این نوع تغییر در توزیع فعالیت ها در نهایت سبب افزایش هزینه زندگی برای شهروندان گشته و نیاز به سرمایه گذاری های زیاد دولت

<sup>11</sup>- Dwyer

و بخش عمومی برای رفع نیازهای اساسی ساکنین شهری را می طلبد، امری که تحقق آن در شهرهای جهان سوم کاری بس دشوار است (همان). در مجموع میتوان به این موضوع اشاره کرد که با وجود برخی شباهت هایی که شهر تبریز در روند تغییرات ساختار داخلی خود در دهه های اخیر با برخی شهرهای غربی از جهت مواردی مانند قطبی شدن فعالیت ها، انتقال صنایع از مرکز به حاشیه، جا به جایی گروههای اجتماعی با درآمد بالا از مرکز به پیرامون نشان می دهد، ولی حفظ نقش تجاری بخش مرکزی شهر بویژه فعالیت بازار سنتی، شکل گیری حاشیه نشینان بخصوص در بخش شمالی و قسمت هایی از حاشیه جنوبی، فرسودگی محله های قدیمی و توزیع نامتعادل خدمات عمومی، نقش یک شهر جهان سومی را بر ساختار فضایی آن حک می کند (همان). و باعث می شود که تبریز در مواردی چون داشتن چشم انداز هائی از فقر، بد مسکنی و الگوهای غیر قانونی از کاربری زمین، و فقدان ساختار و شالوده تسهیلات عمومی و خدمات اساسی (Lungo, 2001: 32) با این شهرها (شهرهای جهان سومی) دارای ویژگی های مشترک باشد.

### نتیجه گیری

از دهه 1340 هجری شمسی تحولات اساسی در اقتصاد تبریز با سیاست قطب رشد کردن تبریز و اجرای اصلاحات ارضی در این شهر آغاز می شود. در نتیجه این دو برنامه، صنایع سنگین و انواع صنایع دیگر در تبریز تاسیس می شود. از سوی دیگر اتکای اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی نیز باعث مصرفی شدن بیشتر جامعه و غفلت از کشاورزی و روستاها شده و باعث تشدید روند مهاجرت از روستاهای آذربایجان به سمت شهرها و بویژه تبریز شد. در حقیقت میتوان از اصلاحات ارضی، پروژه قطب رشد قرار دادن تبریز، و اقتصاد نفت در اصطلاحات اقتصاد سیاسی بعنوان سه عامل اصلی و تاثیر گذار و سه نیروی محرک قوی در پویای شهرنشینی تبریز در دوره جدید نام برد. عواملی که تاثیرات بنیادینی بر تحولات کالبدی شهر تبریز و تحول و تغییر آن به سمت وسوی شرایط موجود داشتند و موجب شدند تا جمعیت تبریز در عرض 55 سال گذشته نزدیک به شش برابر افزایش یافته و از 289 هزار نفر در سال 1335 هجری شمسی به چیزی نزدیک به یک میلیون و هفتصد هزار نفر در سال 1390 هجری شمسی برسد که نشان دهنده ظرفیت بالای مهاجرپذیری این شهر و جذب مهاجرین روستائی (بیکار شده در نتیجه اجرای اصلاحات ارضی) و مهاجرین شهری می باشد. جهت گیری و خط سیر اشتغال و اسکان این جمعیت بگونه ای بوده است که باعث شده شهر تبریز در روند تغییرات ساختار داخلی خود در دهه های اخیر شباهت هائی را با برخی شهرهای غربی نشان دهد، با این وجود، حفظ نقش تجاری بخش مرکزی شهر بویژه فعالیت بازار سنتی، شکل گیری حاشیه نشینان، فرسودگی محله های قدیمی و توزیع نامتعادل خدمات عمومی، نقش یک شهر جهان سومی را بر ساختار فضایی آن حک می کند. بدین ترتیب هر چند امروزه ساختار شهری تبریز تفاوت های بسیاری با ساختار شهری آن در دهه پنجاه هجری شمسی دارد و تغییراتی را تجربه کرده که آنرا از جهاتی خاص به ساختار شهری شهرهای غربی نزدیک می کند ولی از جهاتی دیگر شهر تبریز دارای ویژگی ها و مشخصه های یک شهر جهان سومی است و از بسیاری از مشکلات و مسائل مربوط به شهرهای جهان سومی رنج می برد.

- بابایی اقدم، فریدون (1378)، نقش شهرهای میانه اندام در توسعه فضایی استان آذربایجان شرقی، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.
- بابایی اقدم، فریدون؛ حسین زاده دلیر، کریم؛ صدر موسوی، میرستار (1386)، "اکولوژی ازدحام شهری در حواشی شهر تبریز"، مجله جغرافیا و توسعه، سال پنجم، شماره 9، بهار و تابستان 1386، صص 161 تا 180.
- بنی فاطمه، حسین و کوهی، کمال (1385)، "بررسی عوامل و پیامدهای تراکم جمعیت شهری و ارائه راهکارهایی برای تعیین تراکم بهینه و متعادل"، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال اول، پیش شماره اول، صص 57 تا 84.
- بنی فاطمه، حسین (1381)، "تطبیق موردی شهرنشینی شمال و جنوب ایران"، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، بهار 1381، دوره 45، شماره 182، صص 1 تا 27.
- بنی فاطمه، حسین (1377)، "شهرنشینی تطبیقی"، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، پاییز 1377، شماره 168، صص 25 تا 50.
- بنی فاطمه، حسین (1374)، "شهرنشینی بی رویه و پیامدهای آن در ایران"، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی (دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز)، پاییز 1374، شماره 1، صص 39 تا 56.
- پورمحمدی محمدرضا و جام کسری محمد (1389)، "ارزیابی ناپایداری در توسعه فضایی متروپل تبریز"، مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، بهار 1389، شماره چهارم، صص 1 تا 18.
- حسامیان، فرخ؛ اعتماد، گیتی؛ و حائری، محمدرضا (1363)، شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات آگاه.
- حسین زاده دلیر، کریم؛ قربانی، رسول؛ شکری فیروز جاه، پری (1388)، "تحلیل و ارزیابی کیفی سنجه های پایداری شهری در شهر تبریز"، مجله علمی- پژوهشی مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، پاییز 1388، شماره دوم، صص 1 تا 18.
- رهنما، محمد رحیم و عباس زاده، غلامرضا (1378)، اصول، مبانی و مدل های سنجش فرم کالبدی شهر، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ساوج، مایک و وارد، آلن (1387)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، تهران، انتشارات سمت.
- صدر موسوی، میرستار و رحیمی، اکبر (1391)، "تحلیلی بر توسعه ی کالبدی تبریز و تخریب اراضی کشاورزی و فضاهای سبز شهری"، نشریه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای، دوره دوم، شماره 4، پاییز 1391، صص 99 تا 109.
- عظیمی، نورالدین (1383)، "تاریخ رشد شهر تبریز"، دومین همایش ملی ایران‌شناسی، دی ماه 1383، مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما، تهران.
- عظیمی، نورالدین (1380)، "تغییرات ساختار شهری در تبریز"، مجله فضای جغرافیایی، شماره 4، زمستان 1380، صص 1 تا 24.
- کلانتری، محسن و قنبری، حکیمه (1387)، "تاثیر اقتصاد سیاسی نفت بر روند شهرنشینی در شهرستان یاسوج"، همایش ملی کهگیلویه و بویر احمد در تمدن، تاریخ و فرهنگ ایران زمین، دانشگاه آزاد گچساران، یاسوج، ایران، 30 اردیبهشت تا 1 خرداد.
- گیدنز، آنتونی (1386)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشرنی.
- گیدنز، آنتونی (1378)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ پنجم.
- ماجدی، حمید (1378)، "زمین مساله اصلی توسعه شهری"، مجله آبادی، شماره 33، تابستان 1378، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، صص 3 تا 14.
- مجد فر، فاطمه (1382)، جامعه شناسی عمومی، تهران، نشر شعاع، چاپ اول.

- مرکز آمار ایران (1391)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1390، تهران.
  - ممتاز، فریده (1379)، جامعه شناسی شهر، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
  - مهندسین مشاوره عرصه (1368)، طرح جامع تبریز، وزار مسکن و شهرسازی، تهران.
  - همایون کاتوزیان، محمد علی (1381)، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامییز عزیزی، نشر مرکز، تهران، چاپ هشتم.
  - یزدانی، محمد حسن (1382)، بررسی تحولات نقش و کارکرد شهرهای منطقه آذربایجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
  - یزدانی، محمد حسن و پور احمد، احمد (1386)، "تاثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی"، نمونه تبریز، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، بهار 1386، شماره 1 (پیاپی 84)، صص 29 تا 52.
- 
- Ahour, I (2011), *The qualities of Tabriz historical bazaar in urban planning and the integration of its potentials into megamalls*, Journal of Geography and Regional Planning Vol. 4(4), pp. 199-215, April 2011.
  - Amid, Javad & Hadjikhani, Amjad (2005), *Trade, Industrialization and the Firm in Iran*, Published by I.B. Tauris & Co Ltd.
  - Azimi, Nooreddin (1996), *Recent Urban Growth and Change in the Spatial Structure of Iranian Cities, The case of Tabriz* (1991-1996), PhD Thesis University of Ottawa.
  - Bonifazi, Corrado and Heins, Frank (2003), *Testing the differential urbanization model for Italy*, journal of economic and social geography, Volume 94, Issue1, pages 23-37.
  - Castells, Manuel (1983), *the City and the Grassroots: A Cross-cultural Theory of Urban Social Movements*, Berkeley: University of California Press.
  - Dwyer, D.J. (1974), *City in the third world*, London: Macmillan.
  - Hanachi, Pirooz and Yadollahi, Solmaz (2011), *Tabriz Historical Bazaar in the context of change*. In: ICOMOS 17th General Assembly, 2011-11-27 / 2011-12-02, Paris, France. Pp. 1028-1039.
  - Karshenas, Massoud (1990), *Oil, State and Industrialization in Iran*, Cambridge University Press.
  - Lungo, Mario (2001), *Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America*, Land Lines, Vol. 13, No.20.
  - Maghsoodi Tilaki, M.J; Abdullah, A; Bahauddin, A; Hedayati Marzbali, M (2013), *Contemporary Urbanization Review: To Identify the Impact of Policies and Events on the Evolution of Urbanization in Iran*, Middle-East Journal of Scientific Research 14 (11): pp 1452-1462, 2013.
  - Matras, J. (1970), *Demographic trends in urban areas, in P.M. Hauser (ed.) Handbook for Social Research in Urban Area*, UNESCO, Paris.
  - Moitra, M. K (1991), *Environmental Improvement of Slums: The Calcutta Experience, Building and Environment*, Printed in Great Britain, Pergamon Press plc, Vol. 26, No. 3, pp. 253-257.
  - Pumain, Denise (2006), *The Urbanization process, in Demography: analysis and synthesis: a treatise in population studies / Graziella Caselli, Jacques Vallin, and Guillaume Wunsch*; with contributions by Daniel Courgeau . . . [et al.]. Volume 2, London: Academic Press.

- Rastandeh, Amin (2009), *Land Reform in Iran and its Effects on Rural Landscapes: Enormous Lessons for the Future*, Landscape Architecture, Issue 1, 2009, pp 11-19.
- Thomas, Brinley (1968), *migration, Economic aspects*, international Encyclopedia of Social science, Vol. 10, New York, the free press.
- UN-HABITAT (2003), *the Challenge of Slums: Global Report on Human Settlement*, Earthscan Publications Ltd 120 Pentonville Road, London, N1 9JN, UK.